

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (28)

ما بعد از او بر قوم او هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم و هرگز سنت ما بر این نبود. (28)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (29)

فقط یک صیحه آسمانی بود! ناگهان همگی خاموش شدند!! (29)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (30)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنها نیامد مگر اینکه او را استهزاء می کردند. (30)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (31)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنها (به خاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی گردند. (31)

وَإِنْ كُلُّ لَمَمًا لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (32)

و همه آنها روز قیامت نزد ما حاضر می شوند. (32)

وَأَيُّ لَهْمٍ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (33)

زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آنرا زنده کردیم، و دانه‌هایی از آن خارج ساختیم، و آنها از آن می خورند. (33)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (34)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن بیرون فرستادیم. (34)

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (35)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنها هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است، آیا شکر خدا را بجا نمی آورند؟ (35)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (36)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از خود و از آنچه نمی‌دانند! (36)

وَأَيُّ لَهْمٍ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (37)

شب برای آنها (نیز) نشانه‌ای است (از عظمت خدا) ما روز را از آن بر می‌گیریم، ناگهان تاریکی آنها را فرا می‌گیرد. (37)

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (38)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است، این تقدیر خداوند قادر و دانا است. (38)

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (39)

و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم (و به هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت شاخه کهنه (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما در

می‌آید. (39)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (40)

نه برای خورشید سزاوار است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند. (40)

وَأَيُّ لَهْمٍ لَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (41)

این نیز برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت پروردگار) که ما فرزندانمان را در کشتیهایی که مملو (از وسائل و بارها است) حمل کردیم. (41)

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (42)

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (42)

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ (43)

و اگر بخواهیم آنها را غرق میکنیم، به طوری که نه فریادرسی داشته باشند، و نه کسی آنها را از دریا بگیرد. (43)

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ (44)

مگر باز هم رحمت ما شامل حال آنها شود و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند. (44)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (45)

هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه پیش رو و پشت سر شما است (از عذابهای الهی) بترسید، تا مشمول رحمت الهی شوید (اعتنا نمی‌کنند).

(45)

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (46)

و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان می‌شوند. (46)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (47)

و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید کافران به مومنان می‌گویند آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا

می‌خواست او را اطعام می‌کرد (پس خدا خواسته که او گرسنه باشد) شما فقط در گمراهی آشکارید. (47)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (48)

آنها می‌گویند اگر راست می‌گوئید این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (48)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (49)

(اما) جز این انتظار نمی‌کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فرو گیرد در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند! (49)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (50)

(چنان غافلگیر میشوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند، یا به سوی خانواده خود مراجعت نمایند! (50)

وَتَفْخِ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (51)

(بار دیگر) در صور دمیده میشود ناگهان آنها از قبرها شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان میروند. (51)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (52)

می‌گویند ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان (او)

راست گفتند. (52)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (53)

صیحه واحدی بیش نیست (فریادی از این برمیخیزد) ناگهان همگی نزد ما حاضر میشوند. (53)

فَالْيَوْمَ لَا تَطْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (54)

امروز به هیچکس ستم نمیشود و جز آنچه را عمل میکردید جزا داده نمیشود. (54)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ (55)

بهشتیان امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند (و از هر اندیشه ناراحت کننده برکنار). (55)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ (56)

آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه کرده‌اند! (56)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ (57)

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است و هر چه بخواهند در اختیار آنها خواهد بود. (57)
سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (58)

برای آنها سلام (و درود الهی) است، این سخنی است از ناحیه پروردگار (58)
وَأَمَّا زُوا الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (59)

جدا شوید امروز ای گنهکاران! (59)

أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (60)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم! که شیطان را پرستش نکنید که او برای شما دشمن آشکاری است؟ (60)
وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (61)

و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟ (61)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (62)

او افراد زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟ (62)
هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (63)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده میشد. (63)

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (64)

امروز وارد آن شوید و به آتش آن بسوزید به خاطر کفری که داشتید! (64)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (65)

امروز بر دهان آنها مهر مینهیم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام میدادند شهادت میدهند. (65)
وَلَوْ نَشَاءُ لَمَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (66)

و اگر بخواهیم چشمان آنها را محو میکنیم، سپس برای عبور از راه می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند اما چگونه میتوانند ببینند؟! (66)
وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَبَاقُوا مُضِيًّا وَلَا يُرْجِعُونَ (67)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ میکنیم (و به مجسمه‌های بیروح مبدل می‌سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند. (67)

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (68)

هر کس را که طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه میکنیم (و به ناتوانی کودکی باز میگردانیم) آیا اندیشه نمی‌کنند؟ (68)
وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (69)

ما هرگز شعر به او نیاموختیم، و شایسته او نیست، این (کتاب آسمانی) تنها ذکر و قرآن مبین است. (69)
لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (70)

هدف این است که افرادی را که زنده‌اند انذار کند و بر کافران اتمام حجت شود و فرمان عذاب بر آنها مسلم گردد. (70)
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنَّمَا عَمِلَتْ أَيْدِيهِمْ أَنْعَامًا فَهَلُمُّوا إِلَيْهَا مَالِكُونَ (71)

آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهار پایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ (71)
وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (72)

آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند. (72)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (73)

و برای آنان منافع دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهای گوارائی، آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟ (73)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (74)

آنها غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند. (74)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نصرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ (75)

ولی آنان قادر به یاری ایشان نیستند و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکر آنها خواهند بود که در آتش دوزخ حضور می‌یابند! (75)

فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسِرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (76)

بنا بر این سخنان آنها تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌کنند می‌دانیم! (76)

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (77)

آیا انسان ندید (نمیداند) که ما او را از نطفه‌ای بیارزش آفریدیم، و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار برخاست!

(77)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (78)

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، و گفت چه کسی این استخوانها را زنده میکند در حالی که پوسیده است؟ (78)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (79)

بگو: همان کسی آنرا زنده میکند که نخستین بار آنرا آفرید، و او به هر مخلوقی آگاه است! (79)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (80)

همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید، و شما به وسیله آن آتش می‌افروزید. (80)

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (81)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید قدرت ندارد همانند آنها (انسانهای خاک شده) را بیافریند؟ آری (میتواند) و او آفریدگار دانا است! (81)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (82)

فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: موجود باش آن نیز بلافاصله موجود میشود! (82)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83)

پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است، و (همگی) به سوی او باز می‌گردید. (83)

سوره 37: الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (1)

سوگند به آنها که صف کشیده‌اند (و صفوف خود را منظم ساخته‌اند). (1)

فَالرَّاجِرَاتِ زَجْرًا (2)

همانها که قویا نهی می‌کنند (و باز می‌دارند). (2)

فالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (3)

و آنها که پی درپی ذکر (الهی) را تلاوت می‌کنند. (3)

إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ (4)

که معبود شما مسلماً یکتاست. (4)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (5)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرقها! (5)

- إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرَبِينَةِ الْكَوَاكِبِ (6)
- ما آسمان پائین را با ستارگان تزیین کردیم. (6)
- وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (7)
- و آن را از هر شیطان خبیثی حفظ نمودیم. (7)
- لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّبُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (8)
- آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند (و هرگاه چنین بخواهند) از هر سو هدف تیرها قرار می‌گیرند! (8)
- دُخْرًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (9)
- آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند، و برای آنان عذاب دائم است. (9)
- إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (10)
- مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند که شهاب ثاقب آنها را تعقیب می‌کند! (10)
- فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (11)
- از آنها بپرس: آیا آفرینش (و معاد) آنان سختتر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین) ما آنها را از گل چسبنده‌ای آفریدیم. (11)
- بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (12)
- تو از انکار آنها تعجب می‌کنی، ولی آنها مسخره می‌کنند! (12)
- وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (13)
- و هنگامی که به آنها تذکر داده شود هرگز متذکر نمی‌شوند. (13)
- وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (14)
- و هنگامی که معجزه‌ای را ببینند دیگران را نیز به استهزا دعوت می‌کنند! (14)
- وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (15)
- و می‌گویند این فقط سحر آشکاری است. (15)
- أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (16)
- آنها می‌گویند آیا هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم بار دیگر برانگیخته خواهیم شد! (16)
- أَوْ أَبَاؤُنَا أَلْوَالُونَ (17)
- یا پدران نخستین ما (باز می‌گردند)؟ (17)
- قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (18)
- بگو آری، همه شما زنده می‌شوید، در حالی که خوار و کوچک خواهید بود. (18)
- فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ (19)
- تنها یک صیحه عظیم واقع می‌شود ناگهان همه (از قبرها بر می‌خیزند و) نگاه می‌کنند. (19)
- وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (20)
- و می‌گویند: ای وای بر ما این روز جزا است. (20)
- هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (21)
- (آری) این همان روز جدائی است که شما آن را تکذیب می‌کردید (جدای حق از باطل). (21)
- اِحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (22)
- (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود) ظالمان و هم‌ردیفان آنها و آنچه را می‌پرستیدند ... (22)

- مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (23)
- (آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و به سوی راه دوزخ هدایتشان نمائید. (23)
- وَقَفُوهُمْ إِنِّي لَأَمْلَأُ جَنَّتَهُمْ مَنْ سَأَلْتَهُمْ (24)
- آنها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند. (24)
- مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (25)
- شما چرا از هم یاری نمی‌طلبید. (25)
- بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (26)
- ولی آنها در آن روز تسلیم قدرت خداوندند. (26)
- وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (27)
- (و در اینحال) آنها رو به یکدیگر کرده و از هم سؤال می‌کنند ... (27)
- قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (28)
- گروهی می‌گویند: (شما رهبران گمراه ما) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید (اما جز مکر و فریب چیزی در کارتان نبود). (28)
- قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (29)
- (آنها در جواب) می‌گویند: شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟ (29)
- وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ (30)
- ما هیچگونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (30)
- فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (31)
- اکنون فرمان خدا بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم. (31)
- فَأَعْوَبْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (32)
- (آری) ما شما را گمراه کردیم همانگونه که خود گمراه بودیم. (32)
- فَأَبَّهْمُ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (33)
- همه آنها (پیشوایان و پیروان گمراه) در آن روز در عذاب الهی مشترکند. (33)
- إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (34)
- (آری) ما اینگونه با مجرمان رفتار می‌کنیم. (34)
- إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (35)
- چرا که وقتی به آنها لا اله الا الله گفته می‌شد استکبار می‌کردند. (35)
- وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِيكَ لَشَاعِرٍ لِّمِثْلِ مَا نَحْنُ (36)
- و پیوسته می‌گفتند: آیا ما خدایان خود را به خاطر شاعر دیوانه‌ای رها کنیم؟! (36)
- بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (37)
- چنین نیست، او حق آورده، و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است. (37)
- إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (38)
- اما شما (مستکبران کوردل) به طور مسلم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید. (38)
- وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (39)
- و جز به اعمالی که انجام می‌دادید جزا داده نمی‌شوید. (39)

- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (40)
- جز بندگان مخلص پروردگار (که از همه این مجازاتها برکنارند). (40)
- أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (41)
- برای آنها (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه‌ای است. (41)
- فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ (42)
- میوه‌های گوناگون پر ارزش، و آنها مورد احترامند. (42)
- فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (43)
- در باغهای پر نعمت بهشت. (43)
- عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (44)
- بر تختها روبروی یکدیگر تکیه زده‌اند. (44)
- يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (45)
- گرداگرد آنها قدحهای لبریز از شراب طهور را می‌گردانند (45)
- بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ (46)
- شرابی که سفید و درخشنده و لذتبخش برای نوشندگان است. (46)
- لَا فِيهَا عُوقٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (47)
- شرابی که نه در آن مایه فساد عقل است نه موجب مستی می‌گردد. (47)
- وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (48)
- و نزد آنها همسرانی است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند و چشمانی درشت (و زیبا) دارند. (48)
- كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ (49)
- گوئی (از لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است). (49)
- فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (50)
- (در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) و بعضی رو به بعضی دیگر کرده سؤال می‌کنند ... (50)
- قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (51)
- یکی از آنها می‌گوید: من همنشینی داشتم. (51)
- يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (52)
- که پیوسته می‌گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده‌ای؟ ... (52)
- أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (53)
- که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم (بار دیگر) زنده می‌شویم، و جزا داده خواهیم شد؟! (53)
- قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ (54)
- (سپس) می‌گوید: آیا شما می‌توانید از او خبری بگیرید؟ (54)
- فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (55)
- اینجاست که به جستجو بر می‌خیزد و نگاهی می‌کند ناگهان او را در وسط جهنم می‌بیند! (55)
- قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ (56)

- می گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی! (56)
- وَأُولَا نِعْمَةً رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (57)
- و هر گاه نعمت پروردگار نبود من نیز از احضار شدگان در دوزخ بودم! (57)
- أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (58)
- (ای دوستان) آیا ما هرگز نمی‌میریم؟ (و در بهشت جاودانه خواهیم بود). (58)
- إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ (59)
- و جز همان مرگ اول مرگی به سراغ ما نخواهد آمد و ما هرگز مجازات نخواهیم شد؟ (چه نعمتی برای خدای من!). (59)
- إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (60)
- راستی این پیروزی بزرگی است. (60)
- لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (61)
- آری برای مثل این پاداش تلاشگران باید بکوشند. (61)
- أَذَلِكَ خَيْرٌ نَّزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (62)
- آیا این (نعمتهای جاویدان بهشت) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقوم؟! (62)
- إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (63)
- ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم. (63)
- إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (64)
- درختی است که از قعر جهنم می‌روید! (64)
- طَلْعَهَا كَأَنَّ رُءُوسَ الشَّيَاطِينِ (65)
- شکوفه آن مانند کله‌های شیاطین است. (65)
- فَإِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَا لَيُونٌ مِنْهَا الْبُطُونَ (66)
- آنها (مجرمان) از آن می‌خورند و شکم خود را از آن پر می‌کنند. (66)
- ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ (67)
- سپس روی آن آب داغ متعفنی می‌نوشند. (67)
- ثُمَّ إِنَّ مَرُّهُمْ لِيَأْلَى الْجَحِيمِ (68)
- سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است. (68)
- إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (69)
- چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند. (69)
- فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (70)
- با اینحال با سرعت به دنبال آنان می‌دوند. (70)
- وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ (71)
- قبل از آنها اکثر پیشینیان (نیز) گمراه شدند. (71)
- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (72)
- ما در میان آنها انذارکنندگانی فرستادیم. (72)
- فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (73)

- بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود؟ (73)
- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (74)
- مگر بندگان مخلص ما! (74)
- وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (75)
- نوح ما را ندا کرد (و ما دعای او را اجابت کردیم)، و چه خوب اجابت کننده‌ای هستیم. (75)
- وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76)
- و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم. (76)
- وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (77)
- و فرزندان او را بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم. (77)
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (78)
- و نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاردیم. (78)
- سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (79)
- سلام باد بر نوح در میان جهانیان. (79)
- إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (80)
- ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (80)
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (81)
- چرا که او از بندگان با ایمان ما بود. (81)
- ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ (82)
- سپس دیگران (دشمنان او) را غرق کردیم. (82)
- وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (83)
- و از پیروان او (نوح) ابراهیم بود. (83)
- إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (84)
- به خاطر بیاور هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد. (84)
- إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (85)
- هنگامی که به پدر و قومش گفت: اینها چه چیز است که می‌پرستید؟! (85)
- أَفُنُكَ أَلِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (86)
- آیا غیر از خدا، به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟ (86)
- فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (87)
- شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می‌برید؟ (87)
- فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (88)
- (سپس) او نگاهی به ستارگان افکند. (88)
- فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (89)
- و گفت من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم). (89)
- فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (90)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و به سرعت دور شدند). (90)

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (91)

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودان آنها کرد و از روی تمسخر گفت: چرا از این غذاها نمی‌خورید؟ (91)
مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (92)

(اصلاً) چرا سخن نمی‌گوئید؟! (92)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (93)

سپس ضربه‌ای محکم با دست راست و با توجه بر پیکر آنها فرود آورد (و همه را جز بت بزرگ در هم شکست) (93)
فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ (94)

آنها با سرعت به سراغ او آمدند. (94)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَحْتُونَ (95)

او (ابراهیم) گفت: آیا چیزی را می‌پرستید که با دست خود می‌تراشید؟ (95)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (96)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بت‌هایی را که می‌سازید! (96)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْفُوهُ فِي الْجَحِيمِ (97)

آنها گفتند بنای مرتفعی برای او بسازید، و او را در جهنمی از آتش بیفکنید! (97)

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (98)

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند ولی ما آنها را پست و مغلوب ساختیم. (98)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ (99)

(او از این مهلکه به سلامت بیرون آمد) و گفت: من به سوی پروردگارم می‌روم او مرا هدایت خواهد کرد. (99)

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (100)

پروردگارا! به من از (فرزندان) صالح ببخش. (100)

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (101)

ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و پر استقامت بشارت دادیم. (101)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (102)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید گفت: فرزندم من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم! بنگر نظر تو چیست؟ گفت: پدرم هر

چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت! (102)

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (103)

هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد ... (103)

وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ (104)

او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (104)

قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (105)

آنچه را در خواب ماموریت یافتی انجام دادی، ما اینگونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم. (105)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (106)

- این مسلمان امتحان مهم و آشکاری است. (106)
- وَقَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (107)
- ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم. (107)
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (108)
- و نام نیک او را در امتهای بعد باقی گذاردیم. (108)
- سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (109)
- سلام بر ابراهیم باد! (109)
- كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (110)
- اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (110)
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (111)
- او (ابراهیم) از بندگان با ایمان ما است. (111)
- وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (112)
- ما او را به اسحاق، پیامبری صالح، بشارت دادیم. (112)
- وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ (113)
- ما به او و اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آنها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند. (113)
- وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (114)
- ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم. (114)
- وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ (115)
- آنها و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم. (115)
- وَنَصَّرْنَاهُمْ فَمَا كَانُوا هُمُ الْعَالِيِينَ (116)
- و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند. (116)
- وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (117)
- ما به آنها کتاب (آسمانی) دادیم. (117)
- وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (118)
- آنها را به راه راست هدایت کردیم. (118)
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (119)
- و ذکر خیر آنها را در اقوام بعد باقی گذاردیم. (119)
- سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (120)
- سلام بر موسی و هارون. (120)
- إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (121)
- ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (121)
- إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (122)
- آنها از بندگان مؤمن ما بودند. (122)
- وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (123)

- و الیاس از رسولان ما بود. (123)
- إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (124)
- به خاطر بیاور هنگامی که به قومش گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید؟ (124)
- أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (125)
- آیا بت بعل را می خوانید و بهترین خالقها را رها می سازید؟! (125)
- اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (126)
- خدائی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما است. (126)
- فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (127)
- اما آنها او را تکذیب کردند ولی مسلما همگی در دادگاه عدل الهی احضار می شوند. (127)
- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (128)
- مگر بندگان مخلص خدا. (128)
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (129)
- ما نام نیک او (الیاس) را در میان امتهای بعد برقرار ساختیم. (129)
- سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (130)
- سلام بر الیاسین. (130)
- إِنَّا كَذَّبَكَ نَجْرَى الْمُحْسِنِينَ (131)
- ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (131)
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (132)
- او از بندگان مؤمن ما است. (132)
- وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (133)
- لوط از رسولان ما بود. (133)
- إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (134)
- به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را نجات همگی دادیم. (134)
- إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (135)
- مگر پیرزنی که در میان آن قوم باقی ماند (و به سرنوشت آنها گرفتار شد). (135)
- ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ (136)
- سپس بقیه را نابود کردیم. (136)
- وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ مُّصِحِّينَ (137)
- و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه های شهرهای) آنها عبور می کنید ... (137)
- وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (138)
- و شبانگاه، آیا نمی اندیشید. (138)
- وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (139)
- و یونس از رسولان ما بود. (139)
- إِذْ أَتَىٰ إِلَىٰ الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (140)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی مملو (از جمعیت و بار) فرار کرد. (140)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (141)

و با آنها قرعه افکند (و قرعه بنام او اصابت کرد و) مغلوب شد. (141)

فَالْتَقَمَهُ الْحَوْتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (142)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق ملامت بود! (142)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (143)

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود... (143)

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (144)

تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند. (144)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (145)

(به هر حال ما او را رهائی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود. (145)

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (146)

و کدوبنی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد). (146)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (147)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم. (147)

فَأَمَّنُوا فَمَرَّغَتْهُمْ إِلَى جِيبٍ (148)

آنها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم. (148)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (149)

از آنها بپرس: آیا پروردگار تو دخترانی دارد و پسران از آن آنها است؟! (149)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (150)

آیا ما فرشتگان را به صورت دختران آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (150)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (151)

بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می گویند. (151)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (152)

خداوند فرزندی آورده! ولی آنها قطعاً دروغ می گویند! (152)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (153)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده ؟ (153)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (154)

شما چگونه حکم می کنید؟ (و هیچ می فهمید چه می گوئید؟). (154)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (155)

آیا متذکر نمی شوید؟ (155)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ (156)

آیا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟ (156)

فَاتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (157)

کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! (157)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (158)

آنها میان او و جن (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند، در حالی که جنیان به خوبی می‌دانستند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می‌شوند. (158)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (159)

منزه است خداوند از توصیفی که آنها می‌کنند. (159)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (160)

مگر بندگان مخلص خدا. (160)

فَأَنكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (161)

شما و آنچه پرستش می‌کنید، (161)

مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (162)

هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید. (162)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (163)

مگر آنها که می‌خواهند در آتش دوزخ بسوزند. (163)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (164)

هر یک از ما مقام معلومی داریم. (164)

وَأِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (165)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم. (165)

وَأِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (166)

و ما همگی تسبیح او می‌گوییم. (166)

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ (167)

آنها پیوسته می‌گفتند: (167)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ (168)

اگر یکی از کتب پیشینیان نزد ما بود، (168)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (169)

ما از بندگان مخلص خدا بودیم. (169)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (170)

(اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد) آنها به آن کافر شدند ولی بزودی نتیجه کار خود را خواهند دانست. (170)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (171)

و عده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده. (171)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (172)

که آنها یاری می‌شوند. (172)

وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (173)

و لشکر ما (در تمام صحنه‌ها) پیروزند. (173)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (174)

از آنها روی بگردان تا زمان معینی (تا زمانی که فرمان جهاد صادر شود). (174)

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (175)

و وضع آنها را بنگر (چه ببینند) اما به زودی آنها (محصول اعمال خود را) می بینند. (175)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (176)

آیا آنها برای عذاب ما عجله می کنند؟! (176)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (177)

اما هنگامی که عذاب ما در صحن خانه هاشان فرود آید صبحگاهان بدی خواهند داشت. (177)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (178)

از آنها روی بگردان تا زمان معینی. (178)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (179)

و وضع کارشان را ببین، آنها نیز به زودی (محصول اعمال خود را) می بینند. (179)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (180)

منزه است پروردگار، پروردگار عزت (و قدرت) از توصیفهایی که آنها می کنند. (180)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (181)

و سلام بر رسولان. (181)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (182)

و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار عالمیان است. (182)

سوره 38: ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (1)

ص، سوگند به قرآنی که متضمن ذکر است (که این کتاب اعجاز الهی است). (1)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (2)

ولی کافران گرفتار غرور و اختلافند. (2)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَآلَاتٍ حِينٍ مَنَاصٍ (3)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم و به هنگام نزول عذاب فریاد می زدند، ولی وقت نجات گذشته بود! (3)

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (4)

آنها تعجب کردند که چرا پیامبر انذار کننده ای از میان آنها برخاسته، و کافران گفتند: این ساحر دروغگوئی است! (4)

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ (5)

آیا او بجای اینهمه خدایان خدای واحدی قرار داده؟ این راستی چیز عجیبی است؟! (5)

وَأَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (6)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند بروید و خدایانتان را محکم بچسبید که می خواهند ما را به سوی بدبختی بکشانند! (6)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ (7)

ما هرگز چنین چیزی از پدران خود نشنیده‌ایم، این فقط یک دروغ است! (7)

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ تَبْيِينًا بَلُّهُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلِّ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (8)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او (محمد) نازل شده؟، آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند بلکه آنها هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند (که اینچنین گستاخانه سخن می‌گویند). (8)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (9)

مگر خزائن رحمت پروردگار قادر و بخشنده‌ات نزد آنها است (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟! (9)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (10)

یا اینکه مالکیت آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو است از آن آنها است؟ (اگر چنین است) به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک محمد بگیرند). (10)

جُنْدًا مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ (11)

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزابند! (11)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (12)

قبل از آنها قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند. (12)

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (13)

و قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه (قوم شعیب)، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند). (13)

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (14)

هر یک از این گروهها رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنها تحقق یافت. (14)

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقِ (15)

اینها (با این اعمالشان) انتظاری جز این نمی‌کشند که یک صیحه آسمانی فرود آید صیحه‌ای که در آن بازگشت نیست (و همگی را نابود سازد). (15)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (16)

آنها (از روی خیره سری) گفتند، پروردگارا! نصیب ما را از عذابت هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده! (16)

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (17)

در برابر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داود صاحب قدرت و توبه کار را. (17)

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (18)

ما کوهها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند. (18)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ (19)

پرندگان را نیز دستجمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند) و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند. (19)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابِ (20)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، هم دانش به او دادیم و هم داوری عادلانه. (20)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابِ (21)

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (21)

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَرَعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ (22)

هنگامی که (بی هیچ مقدمه) بر او وارد شدند و او از مشاهده آنها وحشت کرد، گفتند نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری

تعدی کرده، اکنون در میان ما به حق داوری کن و ستم روا مدار، و ما را به راه راست هدایت فرما. (22)

إِنَّ هَذَا أُخِي لَهُ تَسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (23)

این برادر من است نود و نه میش دارد، و من یکی بیش ندارم، اما او اصرار می کند که این یکی را هم به من واگذار! و از نظر سخن بر من غلبه کرده است. (23)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (24)

(داود) گفت: مسلما او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش بر تو ستم کرده، و بسیاری از دوستان به یکدیگر ستم می کنند مگر آنها که ایمان آورده اند و عمل صالح دارند، اما عده آنان کم است! داود گمان کرد ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (24)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ (25)

ما این عمل را بر او بخشیدیم، و او نزد ما دارای مقام والا و آینده نیک است. (25)

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (26)

ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی منما که تو را از راه خدا منحرف می سازد، کسانی که از راه خدا گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند. (26)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (27)

ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنها است بیهوده نیافریدیم، این گمان کافران است وای بر کافران از آتش (دوزخ). (27)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (28)

آیا کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران! (28)

كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (29)

این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و صاحبان مغز (و اندیشه) متذکر شوند. (29)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (30)

ما سلیمان را به داود بخشیدیم، چه بنده خوبی؟ چرا که همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود). (30)

إِذْ غُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِرَاتُ الْجِبَادِ (31)

به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند. (31)

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (32)

گفت من این اسبان را به خاطر پروردگارم دوست دارم (من می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم و همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (32)

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (33)

(آنها) آنقدر جالب بودند که گفت: بار دیگر آنها را بازگردانید و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (33)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (34)

ما سلیمان را آزمودیم، و بر کرسی او جسدی افکندیم، سپس او به درگاه خداوند انابه کرد. (34)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (35)

گفت: پروردگارا مرا ببخش، و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچکس نباشد، که تو بسیار بخشنده ای. (35)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (36)

ما باد را مسخر او ساختیم تا مطابق فرمانش به نرمی حرکت کند، و به هر جا او می‌خواهد برود. (36)

وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصِي (37)

و شیاطین را مسخر او ساختیم، هر بناء و غواصی از آنها. (37)

وَأَخْرَيْنَ مُفْرَتَيْنِ فِي الْأَصْفَادِ (38)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم. (38)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أُمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (39)

(و به او گفتیم) این عطای ماست به هر کس می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) ببخش و از هر کس می‌خواهی امساک کن و حسابی بر تو نیست.

(39)

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (40)

و برای او (سلیمان) نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیک است. (40)

وَإِذْ ذُكِّرُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ فَأَنهَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا سُبْحَانَ اللَّهِ إِنهٗ أَوْلَىٰ بِمَا كُفِّرُوا بِهِ خَلْقًا نَّجِيًّا (41)

به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خوانده که شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده. (41)

ارْكَضْ بَرِّجْلِكَ هَذَا مَغْتَسلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (42)

(به او گفتیم) پای خود را بر زمین بکوب این، چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. (42)

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لَأُولَى الْأَلْبَابِ (43)

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را با آنها قرار دادیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای صاحبان فکر. (43)

وَإِذْ ذُكِّرُوا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالُوا رَبَّنَا ارْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِطُغْيَانِنَا وَأَرْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِرَحْمَتِكَ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الرَّحِيمُ (44)

(و به او گفتیم) بسته‌ای از ساقه‌های گندم (یا مانند آن) را برگیر و به او (همسرت) بزن و سوگند خود را مشکن، ما او را شکیبا یافتیم، چه

بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده به سوی خدا بود؟ (44)

وَإِذْ ذُكِّرُوا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالُوا رَبَّنَا ارْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِطُغْيَانِنَا وَأَرْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِرَحْمَتِكَ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الرَّحِيمُ (45)

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان دستهای (نیرومند) و چشمهای (بینا). (45)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (46)

ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود. (46)

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ (47)

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند. (47)

وَإِذْ ذُكِّرُوا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالُوا رَبَّنَا ارْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِطُغْيَانِنَا وَأَرْزُقْنَا كَمَا رَزَقْتَنَا بِرَحْمَتِكَ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الرَّحِيمُ (48)

و به خاطر بیاور اسماعیل و الیسع و ذالکفل را که همه از نیکان بودند. (48)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (49)

این یک یادآوری است، و برای پرهیزگاران بازگشت نیکوئی است. (49)

جَنَّاتٍ عِدْنٍ مِّنْ دُونِهَا مَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلًّا وَجْهٌ مُّسْتَقِيمٌ (50)

باغهای جاویدان بهشتی که دره‌ایش به روی آنان گشوده است. (50)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (51)

در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده‌اند و انواع میوه‌ها و نوشیدنیهای گوناگون در اختیار آنان است. (51)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (52)

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند و همگی هم سن و سالند. (52)

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (53)

این چیزی است که برای روز حساب به شما وعده داده میشود (وعدهای تخلف ناپذیر). (53)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (54)

این روزی ما است که هرگز پایان نمی‌گیرد. (54)

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَا بٍ (55)

این (پاداش پرهیزگاران است) و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است. (55)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيُبْسَ الْمِهَادُ (56)

دوزخ است که در آن وارد می‌شوند و چه بستر بدی است؟! (56)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٍ وَعَسَاقٍ (57)

این نوشابه حمیم و عساق است دو مایع سوزان و تیره رنگ) که باید از آن بچشند. (57)

وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٍ (58)

و جز اینها کیفرهای دیگری همشکل آن را دارند. (58)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ (59)

(به آنها گفته می‌شود) این فوجی است که همراه شما وارد دوزخ همان رؤ سالی ضالند) خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت.

(59)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْحَبُّونَنَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيُبْسَ الْقَرَارُ (60)

آنها (به رؤ سالی خود) می‌گویند: بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید، چه بد قرارگاهی است اینجا؟! (60)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِدَهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (61)

(سپس) می‌گویند: پروردگارا هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزاید. (61)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَأَنْ نَرَى رَجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (62)

آنها می‌گویند چرا مردانی را که ما از اشرار می‌شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی‌بینیم. (62)

أَتَّخَذْنَا لَهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (63)

آیا ما آنها را به سخریه گرفتیم یا (به اندازه‌های حقیر بودند که) چشمها آنها را نمیدید؟! (63)

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (64)

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان! (64)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (65)

بگو من فقط یک انذارکننده‌ام و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست. (65)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (66)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار. (66)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (67)

بگو: این یک خبر بزرگ است! (67)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (68)

که شما از آن روی گردان هستید. (68)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (69)

من از ملاء اعلیٰ (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم مخاصمه می کردند خبر ندارم. (69)

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (70)

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من اندازکننده آشکاری هستم. (70)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (71)

به خاطر بیایور هنگامی را که پروردگارت به ملائکه گفت: من بشری را از گل می آفرینم. (71)

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (72)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خودم در آن دمیدم برای او سجده کنید. (72)

فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (73)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند. (73)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (74)

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! (74)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِيَّ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (75)

گفت: ای ابلیس چه چیز مانع تو از سجده کردن بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم گردید؟ آیا تکبر کردی، یا از برترین بودی؟ (بالا تر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!). (75)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (76)

گفت: من از او بهترم! مرا از آتش آفریده ای و او را از گل. (76)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (77)

فرمود: از آسمانها (و از صفوف ملائکه) خارج شو که تو رانده درگاه منی! (77)

وَإِنَّ عَلَيْنَا لَلْغَنَىٰ وَإِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ (78)

و مسلما لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود. (78)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (79)

عرض کرد: پروردگار من! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده. (79)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (80)

فرمود تو از مهلت داده شدگانی. (80)

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (81)

ولی تا روز و زمان معینی. (81)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (82)

گفت: به عزتت سوگند همه آنها را گمراه خواهم کرد (82)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (83)

مگر بندگان خالص تو از میان آنها. (83)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (84)

فرمود: به حق سوگند، و حق می گویم. (84)

لَأْمَلَانَ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (85)

که جهنم را از تو و پیروانت همگی پر خواهیم کرد. (85)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (86)

بگو: (ای پیامبر!) من از شما هیچ پاداشی نمی‌طلبم و من از متکلفین نیستم (سخنانم روشن و همراه با دلیل است). (86)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (87)

این (قرآن) وسیله تذکر برای همه جهانیان است. (87)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (88)

و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید! (88)

سوره 39: الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (1)

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. (1)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (2)

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان. (2)

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا

يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (3)

آگاه باشید دین خالص از آن خدا است، و آنها که غیر از خدا را اولیای خود قرار دادند، و دلیلشان این بود که اینها را نمی‌پرستیم مگر به خاطر

اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند، خداوند روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند، خداوند آن کس را که دروغگو و

کفران کننده است هرگز هدایت نمی‌کند. (3)

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (4)

اگر (به فرض محال) خدا می‌خواست فرزندی انتخاب کند از میان مخلوقاتش آنچه را می‌خواست بر می‌گزید منزه است، (از اینکه فرزندی

داشته باشد) او خداوند واحد قهار است. (4)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

(5)

آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را بر روز می‌پیچد، و روز را بر شب، و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد، هر کدام تا سرآمد

معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند، آگاه باشید او قادر بخشنده است. (5)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِ تُصْرَفُونَ (6)

او شما را از نفس واحدی آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گل) او خلق کرد، و برای شما هشت زوج از چهارپایان نازل کرد، او شما را در شکم

مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر در میان تاریکیهای سه گانه می‌بخشد، این است خداوند پروردگار شما، که حکومت (در عالم هستی)

از آن او است هیچ معبودی جز او وجود ندارد با اینحال چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟! (6)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (7)

اگر کفران کنید خداوند از شما بیناز است، و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد، و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد، چرا که به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. (7)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (8)

هنگامی که انسان را زبانی رسد پروردگار خود را می‌خواند، و به سوی او باز می‌گردد، اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند آنچه را به خاطر آن قبلا خدا را می‌خواند به فراموشی می‌سپرد، و برای خداوند شبیه‌هایی قرار می‌دهد، تا مردم را از راه او منحرف سازد، بگو چند روزی از کفرت بهره‌گیر که از اصحاب دوزخی! (8)

أَمْ مَنْ هُوَ قَابِتْ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (9)

آیا چنین کسی با ارزش است یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است، بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها صاحبان مغز متذکر می‌شوند! (9)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِينَ آخَسْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (10)

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت پروردگارتان بپرهیزید، برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیک است، و زمین خداوند وسیع است (هرگاه تحت فشار سردمداران کفر واقع شدید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بیحساب دریافت می‌دارند. (10)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (11)

بگو: من مامورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص نمایم. (11)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (12)

و مامورم که نخستین مسلمان باشم. (12)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (13)

بگو: من اگر نافرمانی پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت (او) می‌ترسم. (13)

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي (14)

بگو: من تنها خدا را می‌پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم. (14)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (15)

شما هر کس را جز او می‌خواهید پرستید، بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند آگاه باشید زبان آشکار همین است. (15)

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (16)

برای آنها از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی از آتش است، این چیزی است که خداوند با آن بندگانش را تخویف می‌کند، ای بندگان من از نافرمانی من بپرهیزید. (16)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (17)

کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده. (17)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (18)

کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند. (18)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْفِقُ مِنْ فِي النَّارِ (19)

آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده، رهائی بخشی؟ آیا تو می‌توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و بیرون آوری. (19)

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (20)

ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند غرفه‌هایی در بهشت دارند، غرفه‌های دیگری بنا شده، و از زیر آن نهرها جاری است، این وعده الهی است و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند. (20)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (21)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد، و آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که الوان مختلف دارد بعد این گیاه خشک می‌شود، به گونه‌ای که آن را زرد و بیروح می‌بینی، سپس آن را در هم می‌شکنند و خرد می‌کند، در این ماجرا تذکری برای صاحبان مغز است. (21)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْفَاسِقِينَ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْلَيْكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (22)

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده کرده، و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلانی است که نور هدایت به قلبشان راه نیافته) وای بر آنها که قلبهائی سخت در برابر ذکر خدا دارند، آنها در گمراهی آشکارند. (22)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَتَانًا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (23)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (از نظر لطف و زیبایی و عمق محتوا) همانند یکدیگر است، آیاتی مکرر دارد (تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارش خاشعند می‌افتد سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود، این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند، و هر کس را خداوند گمراه سازد راهنمایی برای او نخواهد بود! (23)

أَفَمَنْ يَتَّبِعِ يَوْجِهِ سَوْءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (24)

آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را دور می‌سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی‌رسد؟) و به ظالمان گفته می‌شود بچشید آنچه را به دست می‌آوردید. (24)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (25)

کسانی که قبل از آنها بودند نیز آیات ما را تکذیب نمودند، و عذاب الهی از جایی که فکر نمی‌کردند به سراغ آنها آمد. (25)

فَأَذَاهُمْ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (26)

خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشاند و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می‌دانستند. (26)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (27)

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، شاید متذکر شوند. (27)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (28)

قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی شاید پرهیزگاری پیشه کنند. (28)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (29)

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شرکائی است که درباره او پیوسته به مشاجره مشغولند، و مردی را که تنها تسلیم یکنفر است،

آیا این دو یکسانند؟ حمد مخصوص خدا است ولی اکثر آنها نمی‌دانند. (29)

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (30)

تو می میری آنها نیز خواهند مرد! (30)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (31)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می کنید. (31)